

گزیدهٔ غزلیات بیدل

به کوشش محمد کاظم کاظمی



مؤسسه انتشارات عرفان

تهران، ۱۳۹۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۴۰ - ۱۱۳۳ ق.

عنوان قرارداد: دیوان. برگزیده.

عنوان و پدیدآور: گزیده غزلیات بیدل / به کوشش محمد باقر کاشانی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۸۰۸ ص.

شابک: 6 - 16 - 6580 - 600 - 978

یادداشت: فیفا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق.

شناسه افزوده: کاظمی، محمدکاظم، ۱۳۴۶ -

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ آ ۱۹ / ۶۶۴۵ PIR

رده‌بندی دیویی: ۱/۵ فا ۸

شماره کتابخانه ملی: ۴۱۵۲۲ - ۸۵ م



مؤسسه انتشارات عرفان

گزیده غزلیات بیداد به کوشش محمد کاظم کاظمی

تایپ: ریحانه امیری، نمونه خوان: غلام حسن بومان

طرح جلد: باسم الرسام، صفحه‌آرایی: محمد کاظم کاظمی

چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵، شمارگان: ۱۵۰۰، قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف نگار

حق چاپ این کتاب، در افغانستان و ایران مخصوص ناشر است.

تهران، خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر، پلاک ۱۱۸، واحد ۶ تلفن: ۸۸۲۰۰۲۴۵، فکس: ۸۸۸۱۱۰۵۱

کابل، چوک دهبوری، چهارراهی شهید، مؤسسه انتشارات عرفان. تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۰۰۹۳

هرات، چوک گلها، کتابفروشی احراری، تلفن: ۷۹۹۴۲۸۷۷۷ - ۰۰۹۳

بخش در ایران: تهران، خیابان فخر رازی، بعد از روانمهر، نبش کوچه دیده‌بان پلاک ۲۳.

انتشارات دوستان. شماره تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷ و ۶۶۴۹۲۹۶۲ (۰۲۱)

کانال تلگرام: @publicationerfan

پست الکترونیک: ketaberfan@yahoo.com

ISBN: 978 - 600 - 6580 - 16 - 6

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۸۰ - ۱۶ - ۶

۷	مقدمه
۳۹	غزل‌ها
۷۳۷	واژه‌نامه
۷۸۷	کتابنامه
۷۸۹	فهرست غزل‌ها

مقدمه

که دارد طاقت هم چشمی ظرف حباب من؟
محیط از خود تهی گردید تا بیدل برون آمد

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل، شاعر بزرگ زبان فارسی است؛ از شاعران محوری و کلیدی، در ردیف سخنورانی چون حافظ، مولانا، سعدی، فردوسی، نظامی و سنایی.

بیدل شاعری است زاده هندوستان و پرورده محیط ادبی آن کشور در قرنهای یازدهم و دوازدهم هجری، یعنی اواخر دوره‌ای که هندکانون زبان و ادب فارسی بود. به همین سبب گاهی او را به «عظیم‌آبادی» یا «دهلوی» هم ملقب می‌کنند.

او در سال ۱۰۵۴ ق. در شهر عظیم‌آباد از ایالت پتنه به دنیا آمد. پدرش عبدالخالق که سپاهی‌ای بود صوفی مشرب، نام عبدالقادر گیلانی

سرسلسله صوفیان قادری را بر فرزندش نهاد. اجداد آنها مغولانی کوچیده از ماوراءالنهر بودند.

عبدالقادر به زودی از پدر و مادر یتیم شد و به سایه حمایت عمش میرزا قلندر درآمد که خود سرداری شجاع بود و در عین حال، مردی اهل عرفان و معرفت. عبدالقادر جوان تحصیلات سنتی مدرسه‌ای را به اشاره میرزا قلندر رها کرد؛ به شاگردی اهل تصوف و مجذوبان عصر درآمد و به انکای هوش و ذکاوت سرشارش به زودی مبادی عرفان و طریقت را آموخت.

او شاعری را از نوجوانی و در مکتب آغاز کرده بود. در آغاز «رمزی» تخلص می‌کرد، ولی به زودی به یمن شعر «بیدل از بی‌شان چه گوید باز» سعدی، تخلص «بیدل» را برگزید. از همان زمان طبعی جوشان و قریحه‌ای شگفت داشت، چنان که قصیده سواداعظم و مثنوی محیط اعظم محصول روزگار جوانی، دست و پا به کمال پختگی اش گواهی می‌دهد.

عصر زندگی شاعر، دورانی پر آشوب بود و آغاز زوال خاندان بابری هند. بیدل سیزده ساله بود که جنگ‌های شاهزادگان بر سر جانشینی شاه جهان - که خود هنوز در قید زندگی به دوازده سالگی بود - بعد از یک دوره خونریزی، حکومت، اورنگ زیب عالمگیر را منتهی شد که با قساوت تمام برادران را از میان برداشت و پدر را محبوس ساخت. بیدل هم در این روزگار پرفتنه زندگی آرامی نداشت و چند سال از عمرش در سفر و آوارگی گذشت، غالباً در معیت میرزا قلندر و گاه در کسوت یک سپاهی جوان که به تشکیلات نظامی پیوسته بود.

بعد از جنگ‌های جانشینی، شاعر - که اینک جوانی هفده ساله بود - همراه دایی فاضل و دانشمندش میرزا ظریف به اوریسه رفت و چند سالی در تفسیر و حدیث و دیگر علوم رایج آن روزگار، نزد او و شاه قاسم

هو اللهی از علمای آن شهر درس خواند. بیدل در همین سالها با شاه کابلی دیدار کرد که مجذوبی بود گمنام و صاحب نفوذ معنوی بسیار. این دیدار هرچند کوتاه بود، در شاعر اثر عمیقی گذاشت و شورو شیدایی ای آفرید که او را سخت بیتاب ساخت، به‌ویژه هنگام فراق میان آن دو.

شاعر و نزدیکانش چاره این بیتابی را در پایبندشدنش به زندگی خان رزم دانستند. او در بیست و پنج سالگی تأهل گزید و برای تأمین معیشت، به سنت پدری، به خدمت سپاهی‌گری در دستگاه شاهزاده محمداعظم فرزند ارزنک‌زیب درآمد.

بیدل در دهام خدمت در دستگاه محمداعظم، شاعری توانا بود و صاحب نام و آواز. همین شهرت و اعتبار، شاهزاده را به دعوت از او برای پیوستن به سلک شاعران دربار واداشت، که البته شاعر قناعت‌پیشه نپذیرفت و خدمت نظامی را ترک کرد. چنان‌که خود در چهارعنصر تصریح می‌کند، در این ترک خدمت، دلیلی از شغل رسمی و دولتی - که با سلوک آزادمنشانه شاعر ناسازگار بود - نیز اثر داشته است.

از آن پس، چند سال از عمر شاعر در انزوا و افسردگی گذشت، تا این که در ۱۰۹۶ ق. به دهلی سفر کرد و با اقامت دایم در پایتخت، زندگی آرامی پیش گرفت. او به سبب فضل و کمال و قوت شاعری، در میان اهل ادب و دولتمردان احترامی تمام یافت؛ ولی با همه درخواست‌هایی که گاه به‌گاه از او می‌کردند، هیچ‌گاه به پیوستن به دستگاه حکومت رنوسه نشد. زندگی را با کتابت کتب و اصلاح و ترتیب دیوانهای شاعران متمول می‌گذراند و البته گاه و بیگاه هدایایی از سوی حکمرانان وقت نیز به وی می‌رسید. بعضی از امرای محلی با او رابطه‌ای نیکو داشتند، به‌ویژه نواب شکرالله خان و نواب عاقل خان راضی که خود اهل دانش و معرفت بودند و فرزندان‌شان شاگردی بیدل می‌کردند. بر اثر توجه اینان شاعر توانست در

معیشت از دغدغه‌های معمول آسوده باشد، وگرنه زندگی‌اش با حرفه‌ای که برگزیده‌بود، خالی از دشواری نمی‌گذشت و این دشواری به طور طبیعی در ایام کهولت بیشتر می‌شد.

شاعر در این سالهای آرامش و فراغت، نگارش کتاب مشهور چهارعصر و مثنوی عظیم عرفان را به پایان رساند و شاگردانی هم تربیت کرد که حتی‌شان از ادبای معروف عصر خود شدند، همچون بندر ابن داس خرسنگو صاحب سفینه الشعراء در واپسین سالهای حیات بیدل، کودکی که خداوند رکعتی الهی‌اش به او عطا کرده‌بود و تنها فرزندش بود، درگذشت و شاعر را غدا ساخت.

بالاخره در او نیز در سال ۱۱۳۳ ق و در ۷۹ سالگی به بیماری محرقه درگذشت و در صحن خانه‌اش دفن شد. مزارش تا سالها محل گردهمایی سالانه دوستداران بود که با آداب و ترتیب خاصی با عنوان «عُرس بیدل» برگزار می‌شد و این سنت هم‌اکنون در بعضی نواحی قلمرو زبان فارسی بر جای است. ولی خانه و مزار بیدل در پی حوادث طبیعی و مصائب و ویرانیهایی که دهلی پس از آن جنگهای داخلی و خارجی دید، ناپدید شد و هر چند اکنون قبری در این شهر به نام او وجود دارد، در صحت انتساب آن جای تردید است.

بیدل را از روی آثار او و سخنان تذکره‌نویسان، شاعری دانشمند، عارف مسلک، فروتن و قناعت‌پیشه می‌یابیم. او بر علوم ادبی عرفان، فلسفه و دیگر دانشهای عصر وقوفی تمام داشت و می‌توان گفت دانشمندترین شاعر بزرگ فارسی بعد از عبدالرحمان جامی، هم اوست. در عرفان از پیروان مکتب ابن عربی به حساب می‌آمد و در عین حال، اطلاعات خوبی از آراء و عقاید هندوان داشت.

آثار بیدل

بیدل شاعری بوده است پُرکار، با طبعی چنان جوشان که باری مثنوی ۱۲۰۰ بیتی طور معرفت را در دو روز سروده است. او خود می‌گوید «بحر قدرتم بیدل، موج خیزِ معنی‌ها / مصرعی اگر خواهم سر کنم، غزل دارم» و در آن به هر گران‌سنگ او گواه این ادعاست. او در نثر نیز توانا بوده است، ولی به سبب مه‌تضیاتِ زمانه، نثرش بسیار سنگین و متکلفانه است و فاقد شیوایی‌ای که خاندانِ امروزی را خوش آید.

آثار بیدل مستقیماً به تعریف روزگار در امان مانده و در مجموع دارای این بخش‌هاست:

غزلیات، در بیش از سی هزار بیت (حدود ۲۹۰۰ غزل).

قصاید، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، سطعات، مادیات، رباعیات و...

رباعیات، با حدود ۴۰۰۰ رباعی.

مثنوی‌ها مشتمل بر چهار منظومه مهم: رفا، نور معرفت، محیط اعظم، طلسم حیرت و چند مثنوی کوتاه.

چهار عنصر که کتابی است به نثر آمیخته با نظم، شامل شرح زندگی، خاطرات و تأملات شاعر.

نکات و رقعات، که اولی قطعات مشهور و منظوم کوتاه است و دیگری نامه‌های بیدل.

کامل‌ترین نسخه کلیات بیدل همان است که در چهار مجلد از سوی وزارت علوم افغانستان در کابل منتشر شده و عمده تصحیح آن بر عهده خال محمد خسته، شاعر، ادیب و خوشنویس متأخر این کشور بوده است. متأسفانه در سالهای اخیر، این تصحیح به غلط به نام استاد خلیل‌الله خلیلی رقم خورده است، آن هم بدین سبب که مقدمه کتاب به قلم اوست. این در

حالی است که مرحوم خلیلی خود در مقدمه و مؤخره کلیات بر تصحیح و مقابله آن توسط خال محمد خسته تصریح کرده و زحمات او را در خور تمجید دانسته است.

این کلیات به عنوان کامل‌ترین نسخه چاپی آثار بیدل تا به امروز، ارزش و اهمیتی ویژه دارد و مبنای چاپهای بعدی از دیوان بیدل بوده است. ولی با این همه از خطاهای چاپی و استثناسخی سرشار است و اینها در مواردی، سخت ابهام‌آفرین می‌شود و مایه غلط‌فهمی بسیار بیتها، اصول امر و نیز هیچ متون در این کلیات چندان رعایت نشده است، از جمله معرّفی کامل نسخه‌های مورد استفاده و ضبط نسخه‌بدل‌ها.

در سال ۱۳۶۴، جلد اول کلیات کابل - که صرفاً حاوی غزلیات است - عیناً و به صورت عکس برداری با مقدمه یوسفعلی میرشکاک (با نام مستعار منصور منتظر) تجزیه چاپ شد و این اولین انتشار آثار بیدل در ایران بود. این غزلیات از آن پس، نیز با اهتمام حسین آهی و دیگران چاپ شده و این تجدید چاپ‌ها تا کنون ادامه دارد.

حدود ده سال پیش، کتابی در سه جلد با عنوان کلیات بیدل به تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی منتشر شد که مبتنی بر همان کلیات کابل است، ولی پیراسته‌تر از آن و با غلط‌های کمتر این کلیات عنوان «تصحیح» بر خود دارد، ولی متأسفانه سی سال پس از چاپ نسخه کابل و در این عصر امکانات پیشرفته فنی و رهاوردهای علمی به تصحیح متون، باز هم قدمی استوار برداشته نشده و حداقل ضبط نسخه‌بدل‌ها - که لازمه هرگونه تصحیحی است - در این کلیات رعایت نشده است. به همین سبب استناد بدین کتاب باید توأم با احتیاط باشد، چون در موارد اختلاف با دیوان کابل، هیچ دانسته نمی‌شود که یک تصحیح آگاهانه در کار است، یا یک غلط تایپی، یا تصرفی ذوقی و نسنجیده؛ به‌ویژه که مصححان در

بعضی موارد غلطهای دیوان کابل را به نیت اصلاح، غلطتر ساخته‌اند. با این‌همه چون مصححان علاوه بر نسخه چاپ کابل بر نسخ دیگری نیز متکی بوده‌اند، این کلیات در مواردی قابل اعتنا و حتی راهگشاست و در مجموع گامی به جلو به حساب می‌آید.

علاوه بر اینها، یک نسخه صوتی از متن کامل غزلیات بیدل هم در دست داریم، با روایت شادروان سیدحسن حسینی شاعر و پژوهشگر معاصر. این اثر که در قالب چهار لوح فشرده صوتی از سوی انجمن شاعران ایران منتشر شده است، هم از لحاظ ارائه شکل تازه‌ای از غزلیات بیدل ارزش دارد. هم برای قرائت درست شعر او سودمند است، چون در روایت صوتی، آکرها ترکیبها را بهتر می‌توان دریافت. البته ابهام و مه‌آلودگی شعر بیدل، امکان فراموشی نادرست را هم پدید می‌آورد و این نسخه از این نظر، گاه جای چند چهره دارد که در گزیده حاضر و در ذیل بعضی غزلها به مواردی از نارساییها اشاره کرده‌ام. مبنای کار سیدحسن حسینی در این روایت، همان نسخه چاپ کابل است، توأم با تصحیح‌هایی کارگشا که گاه به گاه در متن داشته است.

با این وصف، ضرورت یک تصحیح و چاپ کامل، جامع و منتقدانه از آثار بیدل به شدت حس می‌شود، چون با متون موجود غلطهای بی‌حساب آنها، بسیاری از ظرایف شعر بیدل پنهان مانده و سواریهایی بی‌سبب در آن رونما شده است. در پی نوشت‌های این گزیده به مواردی چشمگیر از این غلطها اشاره کرده‌ایم.

سبک و مقام شعری بیدل

بیدل در واپسین سالهای اوج و اعتبار مکتب هندی می‌زیسته و از لحاظ خصوصیات کلی به این مکتب وابسته است. ولی در کنار اینها ویژگیهایی

فردی نیز دارد که از دیگر هندی سرایان جدایش می‌کند.

یک شاخصه مهم بیدل، پشتوانه فکری اوست. نگرشهای عرفانی، تأملات فلسفی، آموزه‌های اخلاقی، نکات تربیتی و انتقادهای اجتماعی بسیاری در شعر او می‌توان یافت، در کنار تغزلی دلنشین که همانند تغزل حافظ، سری در زمین دارد و سری در آسمان. مهم‌تر این که او در همه عوالم، جدی است و از سر یک احساس واقعی شعر می‌گوید. به همین سبب بسیاری از شعرهای بیدل سرشار است از احساس، سرزندگی و عواطف. تجربه‌های عام انسانی، به گونه‌ای که برای انسانهای همه اعصار، در همه پهنه جغرافیایی زبان فارسی کاربرد دارد. این تنوع و عمق محتوایی به گونه‌ای است که برای بیان بسیاری از لحظات زندگی می‌توان به شعر بیدل بهر برد بیان نمادین و رمزآمیز شاعر نیز به این خاصیت افزوده است.

در کنار اینها، بیدل در عرصه هنریندیهای صوری نیز سخت قدرتمند است. تخیلی نیرومند و پیشرفته دارد، همراه با قدرتی شگفت در یافتن مضامین تازه و غریب. بعضی از تصورات شعرش چنان امروزی است که از شاعری در آن عصر بعید می‌نماید. او رعایت تناسبهای لفظی و معنوی بسیار توانا است و به گونه‌های مختلف این تناسب را رغبتی تمام دارد. گاه ریزه کاریها و ظرافتهایی در کار دارد که در شعر فارسی کم سابقه است. قافیه و ردیف‌های ابتکاری را می‌آزماید و گاه در پی بلندتر از هنجار عصر خویش برمی‌گزیند.

زبان شعر بیدل برخوردار است از دایره واژگانی وسیع و برخی ویژگیهای زبان محاوره عصر او. بعضی مهارتهای زبانی همچون تکرار، حذف و جابه‌جایی هنرمندانه اجزای جمله را در زبان او می‌توان یافت، ولی مهم‌تر از همه، تعبیرهای کنایی اوست و توسعی شگفت که به حوزه

معنایی واژگان می‌بخشد. به همین سبب شماری از واژگان در شعرش معنایی سیال، هاله‌ای و فرّار دارند و حتی به نوعی معنی‌ناپذیری می‌رسند. این خاصیت، مه‌آلودگی دلپذیری به شعر بیدل داده است.

از میان شاعران پیشین، بیدل تا حدود زیادی وامدار صائب و دیگر سخنوران مکتب هندی است، هم در سبک و لحن و هم در بعضی مضامین که تکرار کرده است. از این که بگذریم، ردّ پای روشنی از خاقانی را در کار او می‌توان یافت، به‌ویژه در قصایدش. در غزل نیز بعضی مشابهت میان این دو شاعر به نظر می‌رسد که از آشنایی و انس ویژه بیدل با آن دیار نشأت می‌گیرد. دیرآشنا حکایت دارد. او در غزلهای یکی دو مورد اشاره به حالت و سعدی نیز دارد و بعضی غزلهای آنان را استقبال کرده است، ولی نمی‌توان او را در مدار این دو شاعر دانست. بیدل هر چند به وام‌گیری از سرنما تقریباً نمی‌کند، شعر و شخصیتش تا حدودی به او شباهت می‌رساند و شاید نزدیک‌ترین شاعر مکتب هندی به مولاناست، هم از لحاظ گرایش عرفانی و هم به سبب سرایش بعضی غزلهای با حس و حال و متفاوت با غزل آن عصر. البته دآوری می‌کنیم که این مقایسه به نسبت دیگر شاعران آن دوره است. ردّ نه مقام والای خداوندگار بلخ اجازه نمی‌دهد که بدیلی مطلق برایش بیابیم.

بیدل در افغانستان و آسیای میانه شهرتی تمام داشته است و دارد. وی در ایران حدود سیصد سال مهجور و گمنام ماند، تا به همت بعضی شاعران و پژوهشگران عصر حاضر به شکلی تقریباً ناگهانی از محاق گمنامی بدر آمد و همانند گوهری گمشده که بازیافته می‌شود، نگاهها را متوجه خود ساخت. از آن پس، کتابهای بسیاری در این کشور از آثار او و درباره او چاپ شده است که در کتابنامه اثر حاضر بدانها اشاره کرده‌ایم. ولی شعر بیدل خالی از مسامحه‌های لفظی و نارساییهای بیانی

و تصویری هم نیست. گاهی در آن نوعی تراحم تصویر، ارتباطهای غریب و پیچیده میان عناصر و گرایش شدید به مضمون سازی دیده می شود که شماری از بیتها و غزلها را نامطبوع ساخته است. این شعر البته دایره محتوایی وسیعی دارد، ولی حدود هشتاد هزار بیت سرودن و همواره سخن تازه گفتن، از چه شاعری بر می آید؟ چنین است که تشابه و تکرار مضامین و یا حتی ارائه یک مضمون در چند لباس در کار او بسیار است.

سخن بیدل به دشواریابی شهرت یافته است و این ادعا هر چند در باره شعر او از ساروش مصداق تمام می یابد، در مورد بسیار شعرهای شفاف و عاطفی او صادق است. از میان عوامل این ابهام، تأملات و تفکرات عمیق شاعر، مضامین ابتکاری، نازک خیالیهها، ترکیب سازیها، نارساییهای زبانی و بالاخره غلطهای بی شمار استنساخی و تاییی دیوانش را می توان یاد کرد. ولی یک عامل اساسی، ناآشنایی شعرخوانان این عصر با نظام بلاغی مکتب هندی و لحن و زبان سخن است و این البته با انس گرفتن با این شاعر، برطرف می شود. در مجموع اطلاق غموض و ابهام بر همه شعرهای او سخنی است ناآگاهانه و غلط است مشهور که زبان به زبان تکرار و تکثیر شده است.

شعر بیدل، مانند شعر همه سخنوران پُرکار و خردمند دارد. شاعر خود بدین صفت معترف است و باری در غزلی افشای راز کارش را با بیانی زیبا ترسیم و توجیه کرده است:

مگواین نسخه طور معنی یکدست کم دارد
 تو خارج نغمه ای، ساز سخن صد زیر و بم دارد
 صلائی عام می آید به گوش از ساز این محفل
 قدح بهر گدا چیده است و جام از بهر جم دارد